

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



علیرضا زهیری



۱۳	سخنی با خواننده.....
۱۷	پیش گفتار.....
۱۷	۱. مسئله تحقیق.....
۲۶	۲. ادبیات تحقیق.....

فصل اول: مفاهیم و چارچوب نظری

۳۱	مقدمه.....
۳۳	۱. هویت.....
۳۳	۱-۱. چیستی هویت.....
۴۰	۱-۲. رویکردهای نظری به هویت.....
۴۵	۱-۳. رویکردی انتقادی به نظریه‌های هویت.....
۴۹	۲. سیاست هویت.....
۴۹	۱-۲. مفهوم‌شناسی سیاست هویت.....
۵۶	۲-۲. شرایط پدیداری مفهوم سیاست هویت.....
۵۶	۱-۲-۲. پساتجددگرایی و تحول مفهوم هویت.....
۵۹	۲-۲-۲. سیاست هویت و جنبش‌های اجتماعی جدید.....
۶۱	۲-۲-۳. جهانی‌شدن.....

نشانی	سیاست هویت در جمهوری اسلامی ایران
قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر	(۱۳۶۸-۱۳۹۲)
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	علیرضا زهیری
تلفن و دورنگار: ۳۷۸۳۲۸۳۳-۰۲۵	ناشر
ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱	وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مراکز پخش	تهیه
۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۷۸۳۲۸۳۴-۰۲۵	پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی
۲. تهران، خیابان انقلاب، رویروی در دانشگاه تهران،	سررویراستار
پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:	محمدباقر انصاری
۰۲۱-۶۶۹۵۱۵۳۴	لیتوگرافی، چاپ و صحافی
وب‌گاه: www.pub.isca.ac.ir	چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
رایانامه: nashr@isca.ac.ir	چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸
فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir	شمارگان: ۴۰۰
فروشگاه نشر دیجیتال: www.pajooaan.ir	قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان
همه حقوق برای ناشر محفوظ است.	عنوان: ۵۲۹؛ مسلسل: ۸۲۵

سرشناسه:	زهیری، علیرضا، ۱۳۳۸-
عنوان و نام‌پدیدآور:	سیاست هویت در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۲)/علیرضا زهیری؛ تهیه پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی
مشخصات نشر:	قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۳۱۲ ص.: جدول، نمودار
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۱۹۵-۵۰۱-۳
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۲۷۹] - ۲۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس
یادداشت:	نمایه
موضوع:	سیاست هویتی - ایران
موضوع:	مشارکت سیاسی - جنبه‌های اجتماعی
موضوع:	ایرانیان - هویت
شناسه افزوده:	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی
رده‌بندی کنگره:	JF ۷۹۹
رده‌بندی دیویی:	۳۲۳/۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی:	۵۷۱۸۵۰۷

۱۱۷	۳. سیاست هویت در دوران سازندگی
۱۲۲	۳-۱. سیاست هویت مشروعیت بخش
۱۲۳	۳-۱-۱. سطح نخبگان سیاسی
۱۲۵	۳-۱-۲. سطح جامعه
۱۲۵	۳-۲. سیاست هویت برنامه دار
۱۲۶	۳-۲-۱. سطح نخبگان سیاسی
۱۲۶	۳-۲-۱-۱. چپ گرایان
۱۲۸	۳-۲-۱-۲. راست گرایان
۱۳۰	۳-۲-۲. سطح جامعه
۱۳۴	۳-۳. سیاست هویت مقاومت
۱۳۴	۳-۳-۱. سطح نخبگان سیاسی
۱۳۵	۳-۳-۱-۱. چپ گرایان
۱۳۶	۳-۳-۱-۲. راست گرایان
۱۳۸	۳-۳-۲. سطح جامعه
۱۳۸	جمع بندی

فصل سوم: گفتمان اصلاحات و سیاست هویت

۱۴۴	۱. زمینه های شکل گیری گفتمان اصلاحات
۱۴۸	۱-۱. زمینه های سیاسی
۱۴۹	۱-۱-۱. انتقاد به انسداد سیاسی در کشور
۱۵۰	۱-۱-۲. بی قراری گفتمان سازندگی
۱۵۱	۱-۲. زمینه های اقتصادی
۱۵۳	۱-۳. زمینه های فرهنگی - اجتماعی

۶۴	۲-۳. دیدگاه های مختلف در سیاست هویت
۶۴	۲-۳-۱. هویت های برساخته: گونه شناسی مانوئل کاستلز
۶۷	۲-۳-۲. سیاست فرهنگی در دیدگاه کیت نش
۷۰	۲-۳-۳. ناچینش های اجتماعی در دیدگاه آصف بیات
۷۴	۳. روش تحلیل گفتمان
۷۴	۳-۱. چستی و کاربرد تحلیل گفتمان
۸۰	۳-۲. رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان
۸۴	۳-۳. نظریه گفتمان لاکلا و موف
۸۵	۳-۳-۱. سازه های اصلی تحلیل گفتمان لاکلا و موف
۹۰	۳-۳-۲. نقد نسبی گرایانه گفتمان
۹۴	جمع بندی

فصل دوم: گفتمان سازندگی و سیاست هویت

۹۸	۱. زمینه های شکل گیری گفتمان سازندگی
۱۰۰	۱-۱. زمینه های سیاسی
۱۰۰	۱-۱-۱. تجربه نزاع های سیاسی در طرح ایده های اقتصادی
۱۰۲	۱-۱-۲. تغییر در سلسله مراتب قدرت
۱۰۲	۱-۲. زمینه های اقتصادی
۱۰۲	۱-۲-۱. مشکلات ناشی از دوران جنگ و بحران های دهه شصت
۱۰۵	۱-۲-۲. چالش میان الگوهای متعارض اقتصادی
۱۰۶	۱-۲-۳. ناکارآمدی الگوی اقتصاد دولتی با فروپاشی شوروی سابق
۱۰۶	۱-۳. زمینه های فرهنگی - اجتماعی
۱۰۹	۲. عناصر و نشانگان گفتمان سازندگی

جمع‌بندی ۱۹۱

فصل چهارم: گفتمان اصول‌گرایی و سیاست هویت

۱. زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان اصول‌گرایی و هژمونیک‌شدن آن در دولت عدالتخواه.....	۱۹۸
۱-۱. زمینه‌های سیاسی.....	۲۰۰
۱-۱-۱. بی‌قراری ناشی از تخاصم درون‌گفتمانی اصلاح‌طلبان.....	۲۰۰
۱-۱-۲. «دگرسازی» و «به‌حاشیه‌رانی» گفتمان اصلاحات توسط رقیب.....	۲۰۳
۱-۱-۳. دال معنایی «قانون» و موقعیت دوگانه اصلاح‌طلبان.....	۲۰۳
۱-۲. زمینه‌های اقتصادی.....	۲۰۵
۱-۳. زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی.....	۲۰۷
۲. عناصر و نشانگان گفتمان اصول‌گرایی.....	۲۱۰
۱-۲. دوره اول اصول‌گرایی: از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۷۶.....	۲۱۱
۱-۲-۱. دوره دوم: شکل‌گیری دولت اصلاحات و هژمونیک‌شدن گفتمان آن در سال ۱۳۷۶.....	۲۱۲
۱-۲-۲. دوره سوم: انتخابات نهمین دوره ریاست‌جمهوری و برتری گفتمان اصول‌گرایی.....	۲۱۶
۲-۴. دوره چهارم: شکل‌گیری دولت دهم و آغاز نزاع‌های درون‌گفتمانی.....	۲۲۱
۳. سیاست هویت در دوران اصول‌گرایی.....	۲۲۶
۳-۱. سیاست هویت مشروعیت‌بخش.....	۲۲۷
۳-۱-۱. سطح نخبگان سیاسی.....	۲۲۸
۳-۱-۱-۱. اصول‌گرایان.....	۲۲۸
۳-۱-۱-۲. اصلاح‌طلبان.....	۲۳۱

۱-۳-۱. پدیداری نسل جدید.....	۱۵۳
۱-۳-۲. گسترش شهرنشینی و توسعه آموزش.....	۱۵۳
۱-۳-۳. پدیداری جنبش نوگرایی دینی.....	۱۵۴
۲. عناصر و نشانگان گفتمان اصلاحات.....	۱۵۵
۲-۱. دال مرکزی «مردم».....	۱۵۸
۲-۲. توسعه سیاسی.....	۱۶۲
۲-۳. جامعه مدنی.....	۱۶۵
۲-۴. قانون‌گرایی.....	۱۶۶
۳. سیاست هویت در دوران اصلاحات.....	۱۶۷
۳-۱. سیاست هویت مشروعیت‌بخش.....	۱۷۰
۳-۱-۱. سطح نخبگان سیاسی.....	۱۷۰
۳-۱-۲. سطح جامعه.....	۱۷۲
۳-۲. سیاست هویت برنامه‌دار.....	۱۷۵
۳-۲-۱. سطح نخبگان سیاسی.....	۱۷۶
۳-۲-۱-۱. نخبگان سیاسی اصلاح‌طلب.....	۱۷۶
۳-۲-۱-۲. نخبگان سیاسی اصول‌گرا.....	۱۷۹
۳-۲-۲. سطح جامعه.....	۱۸۰
۳-۳. سیاست هویت مقاومت.....	۱۸۱
۳-۳-۱. سطح نخبگان سیاسی.....	۱۸۲
۳-۳-۱-۱. نخبگان سیاسی اصول‌گرا.....	۱۸۲
۳-۳-۱-۲. نخبگان سیاسی اصلاح‌طلب.....	۱۸۶
۳-۳-۲. سطح جامعه.....	۱۸۹

۲۷۹	کتابنامه
۲۷۹	الف) کتابها
۲۸۹	ب) مقالات و گزارشها
۲۹۴	ج) منابع لاتین

نمایه‌ها

۲۹۷	آیات
۲۹۸	موضوعات
۳۰۵	اعلام و مشاهیر
۳۰۸	کتابها
۳۰۹	مکانها
۳۱۰	تنالگان

۲۳۱	۳-۱-۲. سطح جامعه
۲۳۳	۳-۲. سیاست هویت برنامه‌دار
۲۳۳	۳-۲-۱. سطح نخبگان سیاسی
۲۳۳	۳-۲-۱-۱. اصول‌گرایان
۲۴۰	۳-۲-۱-۲. اصلاح‌طلبان
۲۴۲	۳-۲-۲. سطح جامعه
۲۴۳	۳-۳. سیاست هویت مقاومت
۲۴۳	۳-۳-۱. سطح نخبگان سیاسی
۲۴۳	۳-۳-۱-۱. اصول‌گرایان
۲۴۴	۳-۳-۱-۲. اصلاح‌طلبان
۲۴۵	۳-۳-۲. سطح جامعه
۲۴۷	جمع‌بندی

فرجام سخن: یافته‌ها و بایسته‌ها

۲۵۱	۱. یافته‌ها
۲۵۳	۱-۱. دولت و نظام سیاسی: آماج سیاست هویت
۲۵۹	۱-۲. سوژه‌های سیاست هویت
۲۵۹	۱-۲-۱. نخبگان سیاسی
۲۶۵	۱-۲-۲. نیروهای سطح جامعه
۲۶۸	۲. بایسته‌ها
۲۶۸	۲-۱. سطح دولت و نظام سیاسی
۲۶۹	۲-۲. سطح نخبگان
۲۷۲	۲-۳. سطح جامعه

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی به منظور شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی، شرط اساسی پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان بر اساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این زمینه با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی زمینه گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل را مهیا کرد.

این پژوهشکده به منظور ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجع علمی اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه خدمات علمی مؤثری ارائه کند.

کتاب حاضر با هدف ارائه چارچوبی برای فهم تازه‌ای از شیوه زندگی سیاسی بر پایه هویت نگاشته شده است. سیاست هویت یا همان کنش‌های سیاسی معطوف به هویت نه تنها درک و تحلیل کنش نیروهای سیاسی - اجتماعی را بر پایه فهم آگاهانه هویت‌های ساخته‌شده در پی دارد، بلکه زمینه‌های کارآمد ساختن روندهای هویت‌سازی در جامعه ایرانی را فراهم می‌سازد. نتیجه چنین امکانی کسب توانایی راهبردسازی برای افزایش ثبات سیاسی و انسجام و هم‌نوایی ملی است. همچنین این اثر برای بهره‌مندی دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم آقای دکتر علیرضا زهیری، ناظر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر نجف لک‌زایی، ارزیابان محترم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر سیدمحمدتقی آل‌سیدغفور و حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمود شفیعی، مدیر محترم گروه آقای دکتر رضا عیسی‌نیا و مدیر محترم امور پژوهشی آقای دکتر محمود فلاح و تمام دست‌اندرکاران نشر تشکر و قدردانی کند. همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر نجف لک‌زایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در به‌سرانجام رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر نماید. در پایان از اداره نشر پژوهشگاه به جهت آماده‌سازی و چاپ آن تشکر و قدردانی می‌شود.

این پژوهشکده به جهت حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و یویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

۱. مسئله تحقیق

جنبش انقلابی در ایران بر پایه منطق ارزشی کنشگران انقلابی، تغییرات عمیقی در ساختار پیشین ایجاد کرد و نظام سیاسی جدیدی بر اساس گفتمان مسلط انقلابی برپا ساخت. تأسیس دولت نوپدید بر ایند ائتلاف مهم ترین نیروهای چالشگر علیه حاکمیت پیشین و استقرار نظمی جدید مبتنی بر ارزش های دینی بود. این ارزش ها بنیان گفتمان جدیدی بود که در واکنش به فرایند فروپاشی همبستگی های سنتی در عصر پهلوی پدیدار شد. نظام ارزشی، مناسبات و ساختارهای اجتماعی که تمدن جدید بدان توصیه و در ایران آن را ترویج می کرد، هنجارهای جامعه ایرانی را در هم ریخت که انقطاع فرهنگی و بحران هویت ثمره چنین فرایندی بود.

انقلاب اسلامی خواستار تحول بنیادین در نظام ارزشی کشور بود که با طرد عناصر غربی و ملی گرایانه از جامعه ایرانی تلاش کرد نظام فکری و فرهنگی خاصی را که ملهم از ارزش های متعالی اسلامی بود، جایگزین آن سازد. تأسیس جمهوری اسلامی در ایران نیز که هدف آن بازسازی جامعه بر اساس احکام شریعت بود، بر اندیشه های سیاسی معمار آن، امام خمینی 1، استوار شد. با مسلط شدن اسلام انقلابی، اسلام گرایان مرکز گفتمان خود را بازگشت به

تأکید بر سنت‌های اسلامی، عناصری از تمدن جدید را وارد این مفصل‌بندی کرد. جمهوریت از جمله این مفاهیم به شمار می‌آید. این مفهوم تا پیش از حضور امام خمینی در فرانسه، در گفتار و نوشتار وی مورد توجه نبود و در پاسخ به سؤال خبرنگاران غربی از نوع حکومت آینده ایران مطرح شد.

بدین سان در فضای گفتمانی دهه نخست، جمهوریت و اسلامیت و مفاهیم وابسته به آن، حول دال ارشد امام مفصل‌بندی شدند؛ اما از دهه دوم با افزایش آگاهی‌ها و پیچیده‌شدن جامعه و شکل‌گیری مطالبات تازه‌ای که از دل تجربه‌های دوره اول زاده شده بود، مفاهیم مورد بازتفسیر قرار گرفتند و قرائت‌ها و فهم‌های مختلفی از مدلولات این گفتمان ظاهر شدند. در نتیجه گفتمان انقلاب اسلامی از مسیر این قرائت‌ها عبور کرد و درک جدیدی از آن حاصل شد. پیامد این موضوع دو چیز بود: نخست اینکه هم‌نواپی گذشته نظام سیاسی و نیروهای اجتماعی تضعیف شد و گسست‌های اجتماعی را فعال ساخت؛ دوم موجب شد حاملان این قرائت‌ها هرکدام برای تبیین جهان فرهنگی خود، ضمن بیان سازه‌های هویتی، تمایزات و غیریت‌ها را با دیگران برملا سازند. در نتیجه هویت‌ها به کانون‌های نزاع تبدیل شدند. با ظهور گفتمان‌های جدید، کردارهای هویت‌مند که در طرد رقیبان خود درنگی نداشت، سامان یافت.

اسلام و بازیابی یا نوسازی هویت دینی قرار دادند. آنان برنامه‌هایی از سلطه هژمونیک غرب را در دفاع از سنت‌های دینی جستجو می‌کردند.

امام خمینی ضمن تأکید بر اصالت و حاکمیت ارزش‌های دینی و نقد تمدن غرب، ضمن پذیرش اصل تغییر و تحول، اقتباسی آگاهانه و معقول از تمدن جدید کرد. ایشان از یک سو معتقد بود: «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمام فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمام معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است».^۱ از سوی دیگر ایشان در مذمت کسانی که به تمدن جدید بی‌توجه بودند (در خطاب به یکی از شاگردان خود)، می‌گوید: «آن‌گونه که جناب‌عالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم کوخ‌نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند».^۲ ایشان حتی مخالفت روحانیان با بعضی مظاهر تمدن در گذشته را صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب و احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب دانسته است که موجب شده بود آنان با اختراعات و پدیده‌ها احتیاط‌آمیز برخورد کنند.^۳

بدین ترتیب با برتری گفتمان امام خمینی به‌منابه گفتمان انقلاب اسلامی، فضای استعاری دهه نخست شکل گرفت. ایشان در مفصل‌بندی خود ضمن

۱. روح‌الله خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۲. همان، ص ۱۵۱.

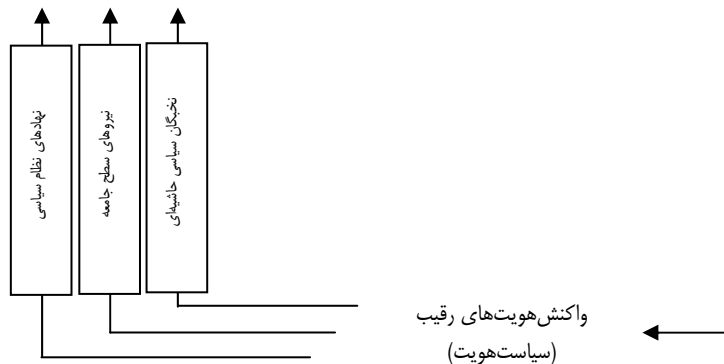
۳. همان، ص ۲۷۷.

و زمینه‌هایی سبب می‌شود درباره آن تردیدها یا انکارهایی پدید آید. بنابراین چنانچه بپذیریم دامنه گفتمان فقط به معنابخشی محدود نمی‌شود، بلکه هریک از این معانی و دریافت‌ها، کنش‌ها و سلسله اعمال خاص را ایجاد می‌کند و پیامدهای اجتماعی دارد، اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های متفاوت کنشگران قابل درک است.

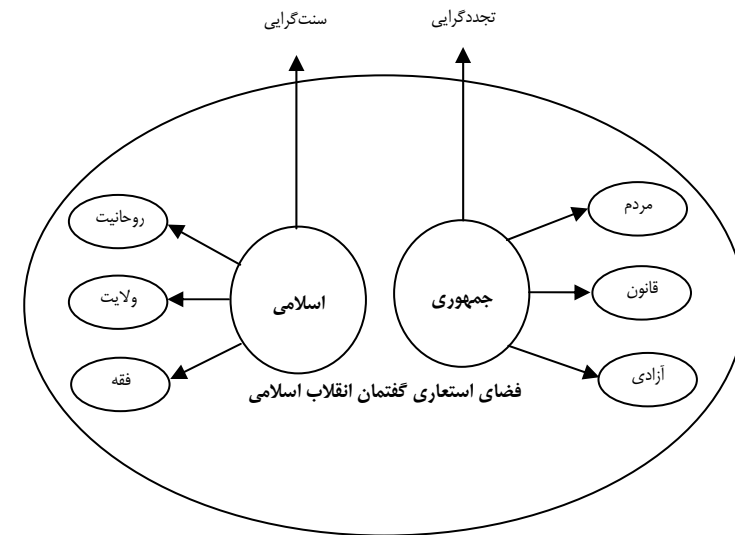
تجربه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد گفتمان‌ها با تسلط دولت هژمونیک می‌شوند و هویت ناشی از گفتمان با قدرت پیوند می‌خورد. این تجربه را در دولت سازندگی، اصلاحات و اصول‌گرایی می‌توان مشاهده کرد. از آنجاکه در برابر قدرت همواره مقاومت وجود دارد، در مقابل هویت گفتمان مسلط (هویت هژمونیک دولت)، سوژه‌های سیاسی در سه سطح نزاع قرار می‌گیرند: الف) نزاع نخبگان سیاسی به حاشیه رانده شده؛ ب) نزاع نیروهای اجتماعی دارنده انتظارات؛ ج) نزاع سایر نهادهای بالادستی نظام سیاسی.

شکل ۲: سطوح بازی منازعه‌آمیز هویت

شکل‌گیری کانون‌های نزاع → کنش دولت مبتنی بر منافع و قدرت → گفتمان هژمونیک دولت



شکل ۱: نمودار مفصل‌بندی سنت و تجدد در فضای استعاری گفتمان انقلاب اسلامی^۱



در این معرکه، نزاع‌های معنایی جدیدی شکل می‌گیرد که هریک از طریق بازنمایی نشانه‌های انقلاب اسلامی به دنبال هژمونیک کردن خود، تلاش‌هایی برای طرد گفتمان دیگری آغاز کردند. استلزامات گفتمان‌های سیاسی از یک سو و واکنش‌ها و بازتاب‌های کنشگران سیاسی در قالب سیاست هویت به این گفتمان‌ها از سوی دیگر اهمیت دارد.

«سیاست هویت» نیز به دنبال چرایی و فهم این واکنش‌ها از سوی نیروهای اجتماعی است. سیاست هویت به معنای سیاست‌گذاری هویت نیست، بلکه نوعی مواجهه در سپهر هویت ناشی از نظام معنایی مسلط است؛ بدین معنا که پس از شکل‌گیری هویت مسلط به دست هریک از گفتمان‌های رقیب، عوامل

۱. سیدعلی اصغر سلطانی؛ قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)؛ ص ۱۴۰.

با آغاز روندهای طرد و نفی دگرهای هویتی توسط هویت مسلط، کانون نزاع شکل می‌گیرد و زمینه‌های سیاست هویت مهیا می‌شود. یکی از الگوهای هویت‌یابی در دوران جدید، الگوی عضویت و تعلق به جنبش‌های اجتماعی است که تحت تأثیر خطرها و مشکلات جهانی شدن شکل گرفته‌اند. این جنبش‌ها به هویتی جمعی نیاز دارند که هم مجموعه‌ای از اعتقادات مشترک (تعهد) و هم احساس مشترک (تعلق) را در بر می‌گیرد. افراد و جنبش‌های اجتماعی بر مبنای یک هویت شکل می‌گیرند و مبارزات آنها بر سر هویت است. افراد بدین سبب به مشارکت در جنبش‌ها ترغیب می‌شوند که «به آنها معنا می‌دهد» و به زعم خودشان آرزوهایشان را در آن می‌بینند و هرگاه خرده‌هویت آنها از سوی هویت‌های مسلط در آستانه نابودی قرار گیرد یا احساس استیصال کنند، در قالب جنبش‌های اجتماعی یا در قالب هویت‌های سنتی پر قدرتی ظاهر می‌شوند.

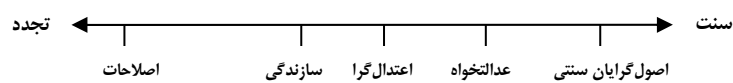
بدین ترتیب بازیگران اجتماعی، هویت خود را از طریق مفصل‌بندی نمادها و نشانه‌های مشخصی باز می‌یابند و برای مسلط شدن آن یا مشروعیت‌زدایی از هویت مسلط، با شبکه‌های سیاسی خاصی یا موضوعاتی که الهام‌بخش سیاست‌های عمومی خاصی‌اند، ارتباط برقرار می‌سازند. اگر تا پیش از این گفته می‌شد افراد و جوامع درون هویت‌ها رفتار می‌کنند، اکنون سیاست هویت می‌گوید همان‌ها چگونه به گفتمان مسلط می‌نگرند و نسبت خود را در مواجهه با هویت ساخته‌شده گفتمان مسلط و بر اساس گونه‌های سه‌گانه تعریف می‌کنند؛ بنابراین در سیاست هویت کنش آگاهانه به هویت و به تعبیری کنش‌های هویت‌بنیان، اهمیت دارد.

با قرار گرفتن هویت در کانون نزاع‌های سیاسی این پرسش مطرح می‌شود

که چرا و چگونه هویت به کانون نزاع سیاسی دولت، نخبگان سیاسی و توده مردم تبدیل شد؟ هریک از گفتمان‌ها بر چه عناصری از هویت بیش از سایر عناصر تأکید کردند؟ سرانجام دولت‌های برآمده از انقلاب اسلامی چه سرنوشتی برای هویت در پناه نظام معنایی مورد قبول خود رقم زدند؟ این تحقیق می‌کوشد از طریق بررسی سیاست‌های معطوف به هویت در این دوران، نه تنها امکان تازه‌ای برای تبیین بازی منازعه‌آمیز هویت در ایران به دست دهد، بلکه بایسته‌هایی برای حل چالش‌های مربوط به هویت در دوران گذار در جامعه ایرانی پیشنهاد می‌کند. بدین ترتیب تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که سیاست‌های هویت در جمهوری اسلامی ایران چه نسبتی با گفتمان‌های فکری حاکم بر دولت‌های سازندگی، اصلاحات و اصول‌گرایی داشته است؟

در هریک از نظام‌های سیاسی، دولت مهم‌ترین منبع تدوین سیاست‌ها و اجرای تصمیمات و تخصیص ارزش‌های مادی و معنوی به‌شمار می‌آید؛ از سوی دیگر به دلیل داشتن بیشترین امکانات کنترل و هدایت جامعه، ظرفیت فزاینده‌ای برای بازتولید و انتشار ارزش‌های سیاسی و تأثیر در زندگی سیاسی دارد؛ بنابراین تسلط بر مهم‌ترین رکن قدرت سیاسی چنان فریبنده است که به کانون بیشترین نزاع‌های سیاسی تبدیل شده است. تجربه سیاسی در ایران نشان می‌دهد که اغلب گفتمان‌های سیاسی با تسلط بر دولت، امکان هژمونیک شدن یافته‌اند؛ به‌ویژه آنکه دولت در ایران از توانایی و امکانات فراوانی برخوردار است و به دلیل بهره‌مندی از رانت نفتی امکان بازتولید قدرت را نیز دارد. این زایش قدرت دولت خصلتی تمرکزگرا به آن داده و دست‌اندازی دولت به سایر نهادهای قدرت را امکان‌پذیر ساخته است.

جامعه ایرانی هستند؛ بنابراین هر گفتمانی که در ایران شکل می‌گیرد، نسبت دوری و نزدیکی خود را در پندار یا گفتار، با هریک از این دو تبیین می‌کند، اگرچه از اوایل دهه نود به نظر می‌رسد نوعی تکثرگرایی گفتمانی رخ نموده است. ترکیبی از سازه‌های هویتی دو گفتمان اصلی به شکل‌گیری «دگر» سومی با نظام معنایی متفاوتی متشکل از نظام معنایی آن دو منجر شده است. این تکثر شکل سنتی نزاع سیاسی را تغییر داده است؛ برای مثال گفتمان اعتدال که در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم سر برآورد یا پیروزی لیست امید در جریان رقابت‌های مجلس دهم، تا حدی گویای هژمونی گفتمان‌های ترکیبی است؛ اما درعین حال گفتمان‌های تازه برآمده نیز درون نزاع دو جهان‌زیست سنت و تجدد خود را تعریف می‌کنند؛ همان‌گونه که گفتمان اعتدال و لیست امید نه خلوص اصول‌گرایی دارند، نه درون خیمه‌گاه اصلاح‌طلبی هستند.



به هر روی تحقیق حاضر به دنبال فهم عوامل تأثیرگذار در چالش‌های هویتی در سپهر گفتمان‌هاست و تلاش می‌کند چارچوبی برای فهم این مسئله بیابد که چرا و چگونه گفتمان‌ها به سمت آفرینش هویت‌های خاص و متعارض پیش می‌روند؛ به بیان دیگر به دنبال فهم تازه‌ای از شیوه زندگی سیاسی بر پایه هویت است تا از این طریق، ضمن تلاش برای بازسازی هویت به شیوه‌ای که پاسخگوی مقتضیات مبتنی بر محیط اجتماعی باشد، زمینه‌های کارآمد ساختن روندهای هویت‌سازی در جامعه ایرانی را فراهم سازد. در عین حال چند نکته اهمیت دارد:

الف) بحث سیاست هویت از مباحث نوپدید در ایران است که امکان

بی‌گمان مرزبندی میان تأثیر رفتار حکومت و رفتار دولت‌ها در بروز چالش‌های هویتی، کار آسانی نیست.^۱ آنچه این امر را تسهیل می‌کند، آن است که اغلب دولت‌ها به دلیل دارا بودن امکانات بیشتر به‌ویژه در ارتباط با جامعه و مردم، قدرت تحول و تأثیرگذاری بیشتری دارند؛ بنابراین مطالعه دولت در سیاست هویت دور از واقع نیست. گاهی رفتار دولت‌ها در سطح حکومت نیز بازتاب می‌یابد و پیامدهای عمومی‌تری پیدا می‌کند؛ برای مثال در دوران اصلاحات، بحث از آزادی‌های سیاسی واکنش‌هایی در سطح حکومت به دنبال داشت و عده‌ای را به رویارویی با دولت کشاند. پیامد آن اختلالاتی در سطح هویت و کارآمدی نظام بود که به‌طور دقیق سهم هریک از کارگزاران حکومت یا دولت مشخص نیست.

از سوی دیگر نخبگان سیاسی همان سوزده‌های سیاسی هستند که در مقابله با گفتمان مسلط دولت‌ها واکنش نشان می‌دهند. در این تحقیق، سوزده‌های سیاسی در دو سطح قرار دارند: نخست سطح نخبگان سیاسی و دیگری سطح جامعه. مراد از نخبگان سیاسی دو جریان اصلی و تأثیرگذار در ساخت سیاسی کشور یعنی اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان است. به زعم نگارنده، نظام معنایی آنان چنان شوق‌آفرین بوده است که تا مدت‌ها بسیاری از سوزده‌های سیاسی سطح جامعه و حتی نخبگان خارج از این دو جریان اصلی مانند روشنفکران (اعم از دینی و متجدد)، نظامیان، صاحبان صنعت و تجارت و سایر اعضای طبقه متوسط جدید در هنگامه‌های سیاسی از طریق هم‌نوایی با یکی از این دو جریان، خود را متجلی می‌ساختند. این دو جریان نماد نزاع سنت و تجدد در

۱. مراد از حکومت مجموعه سازمان‌ها و نهادهای نظام سیاسی است و دولت در اینجا تنها به یکی از نهادهای مهم و قدرتمند نظام سیاسی یعنی قوه مجریه اطلاق می‌شود.

تازه‌ای برای مطالعه تحولات و تغییرات اجتماعی در جامعه ایران پس از انقلاب به دست می‌دهد.

ب) این تحقیق در پی فراهم‌ساختن زمینه‌های کارآمدسازی روندهای هویت‌سازی در جامعه ایرانی و شناسایی پیامدهای آن از طریق سیاست هویت است. نتیجه چنین امکانی کسب توانایی راهبردهای برای افزایش ثبات سیاسی و انسجام و هم‌نوایی ملی است.

ج) مطالعه در سیاست هویت ما را قادر می‌سازد کنش نیروهای سیاسی - اجتماعی را بر پایه فهم آگاهانه هویت‌های ساخته‌شده درک و تحلیل کنیم. این کار امکان پیش‌بینی رفتار گروه‌های سیاسی و اجتماعی یا قومی مانند جنبش‌های اصلاحی، رادیکال یا حامی - پیرو را که بر پایه خرده‌هویت‌ها شکل می‌گیرند، در آینده فراهم می‌سازد.

بدین ترتیب گمان می‌رود شتاب تحولات اجتماعی در ایران، مطالعه درباره فرایندهای ایجاد عمل جمعی از طریق بازتعریف مداوم هویت را ضروری سازد.

۲. ادبیات تحقیق

حدود دو دهه اخیر، درباره هویت و چالش‌های آن و عوامل تأثیرگذار در اختلالات هویتی به‌وفور بحث کرده‌اند. همچنین گفتمان‌های هویت مورد بررسی قرار گرفته است. شاید از نیمه دوم دهه هفتاد، کتب و مقالات بی‌شماری در این باره نوشته شد و هم‌اکنون بسیاری در سطح ملی برگزار شد که به طرح دیدگاه‌های متعدد و ابعاد گوناگون مسئله پرداخت. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی در اوایل دهه هشتاد با چاپ

مجموعه مقالات متعددی از جمله «هویت در ایران»، «مبانی نظری هویت و بحران هویت» و «نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها» مبادرت ورزید. این آثار به‌طور عمده به موضوع هویت و چگونگی تبدیل آن به مسئله یا بحران اجتماعی به‌ویژه در ایران می‌پردازند. اگرچه برخی مجموعه‌مقالات از منظر سیاست به اختلالات هویتی توجه کرده‌اند، هیچ‌یک از مقالات این مجموعه‌ها به‌طور مشخص به دولت و سیاست هویت نپرداخته‌اند. نگارنده نیز کتاب جمهوری اسلامی و مسئله هویت ملی را به‌منظور بررسی عوامل مؤثر در اختلالات هویتی نگاشته است. در این اثر به دو مسئله اساسی پرداخته شده است: یکی اینکه چگونه انقلاب اسلامی جایگاه هویت را در جامعه ایرانی برجسته ساخت و مسئله دوم که پرسش اصلی کتاب به‌شمار می‌آید، به نقش نظام سیاسی در ایجاد اختلال در سطح هویت می‌پردازد. بی‌گمان بدین منظور اثر مذکور اختلالات نظری و کارکردی در سطح نظام سیاسی و رفتار دولت‌ها را بررسی و اشاراتی به پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن کرده است؛ در عین حال به تبیین گفتمان دولت‌ها و منازعات سیاسی و پیامدهای آن در سطح هویت‌ها نپرداخته است. کتاب گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران تألیف علی‌اشرف نظری و بهاره سازمند به شرایط شکل‌گیری هویت اسلامی انقلابی و ویژگی‌های آن پرداخته است. اثر مذکور تلاش کرده است گفتمان انقلاب اسلامی و هویت برآمده از آن را تبیین کند و البته اشاراتی به گفتمان سازندگی و اصلاحات نیز کرده است؛ اما این اثر بر خلاف تحقیق حاضر که بر دوران پس از دهه نخست (زمانی که انقلاب اسلامی مورد خوانش‌های جدید قرار گرفت و گفتمان‌های تازه‌ای از درون آن پدید آمد و سیاست‌های هویت‌ثمره آن بود) متمرکز نشده است. برخی تک‌نگاری‌ها نیز به گفتمان‌های درون

جمهوری اسلامی پرداخته‌اند و کمتر به کنش‌های سیاسی معطوف به هویت اشاره کرده‌اند. سیدعلی‌اصغر سلطانی در کتاب قدرت، گفتمان، زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد گفتمانی به بررسی جریان قدرت در جمهوری اسلامی می‌پردازد. وی با این پرسش که «قدرت چگونه در مطبوعات جریان یافت؟» در پی به‌تصویرکشیدن چگونگی ظهور و سقوط جناح‌های سیاسی از طریق تحلیل متون مطبوعات است؛ البته ایشان تنها به گفتمان اصلاحات و اصول‌گرایی پیش از تسلط بر دولت نهم و دهم اشاره می‌کند؛ حال آنکه اثر حاضر علاوه بر گفتمان سازندگی، به‌تطور گفتمان اصول‌گرایی نیز پرداخته و نزاع‌های سیاسی را در چارچوب سیاست هویت دنبال کرده است. سیدمحمدعلی حسینی‌زاده در کتاب اسلام سیاسی در ایران علل ظهور و سیر تکامل گفتمان اسلام سیاسی و چالش‌های آن در ایران را بررسی می‌کند. بخشی از کتاب مربوط به شکل‌گیری و منازعات سیاسی گفتمان اسلام سیاسی با رقبای خود در دوران پیش از انقلاب است و بخش دیگر به بررسی آن در دوران پس از انقلاب می‌پردازد. ایده اصلی نویسنده در این بخش بازنمایی تمایزات و نزاع‌های درونی گفتمان اسلام سیاسی به‌ویژه میان اسلام‌گرایان لیبرال و چپ با اسلام فقاهتی است. وی در ادامه به پیامد این رقابت و فروپاشی اجماع و غیریت‌سازی‌های درونی اسلام سیاسی و ظهور گفتمان‌های بعدی اشاره می‌کند. برخلاف تحقیق حاضر که در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و مناسبات نظام سیاسی و نیروهای اجتماعی نگاشته شده، این اثر متعلق به حوزه اندیشه سیاسی و بررسی گفتمان‌های متعارض است و به مطالعه رفتارهای سیاسی و پیامدهای اجتماعی آن نمی‌پردازد. نویسندگان برخی آثار نیز موضوع اصلی خود را بررسی گفتمان‌های سیاسی

پس از انقلاب قرار داده‌اند؛ بنابراین ضمن تحلیل نظام معنایی هریک از گفتمان‌ها، به نقد و ارزیابی آنها به‌ویژه در زمان تسلطشان بر دولت پرداخته‌اند. محمدعلی حسین‌زاده در کتاب گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی و محمود علی پورگرگی در کتاب گفتمان‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و نیز بهرام اخوان کاظمی در کتاب گفتمان‌های اجتماعی سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی این‌گونه‌اند؛ البته حسین‌زاده بیشتر با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا به شناسایی گفتمان‌ها می‌پردازد و لزوماً در بررسی گفتمان‌ها از شیوه تحلیل گفتمان استفاده نمی‌کند. علی پورگرگی نیز در پی آن است که مؤلفه‌های توسعه سیاسی را در این گفتمان‌ها بررسی و مقایسه کند؛ بنابراین به موضوعاتی مانند هویت و سیاست‌های معطوف به آن نپرداخته است؛ همچنان‌که سایر تألیفات نیز از منظر سیاست هویت و نزاع‌های معطوف به هویت بحث خود را پیش نبرده‌اند. برخی تألیفات نیز بر هویت سیاسی تأکید کرده‌اند و کمتر موضوع بحث خود را سیاست هویت قرار داده‌اند. کتاب جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران، تألیف غلامرضا بهروزی‌لک، پس از تبارشناسی اسلام سیاسی در ایران و خوانش‌های دوران پس از انقلاب، به تأثیر جهانی‌شدن در تحولات درونی اسلام‌گرایان می‌پردازد و نوع مواجهه آنان با جهانی‌شدن و مسئله هویت را مورد کاوش قرار می‌دهد. همچنین درباره چالش‌های هویت قومی نیز مطالعات بسیاری در گرفته است که بیشتر نگاهی تاریخی‌مند و موقعیت‌مند از حیث سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی دارد و کمتر از منظر سیاست هویت به این مسئله می‌پردازد. نشریه مطالعات ملی بیش از سایر نشریات به این‌گونه موضوعات پرداخته است. حمید احمدی نیز بسیار در این زمینه کوشیده است که ازجمله

می‌توان به کتاب ایران، هویت، ملیت، قومیت اشاره کرد. در عین حال به اینکه چه عواملی باعث می‌شود افراد و گروه‌ها به دنبال هویت خاص برای خود باشند و به‌منظور دفاع از آن با هویت مسلط به تخاصم بپردازند و در جستجوی جمعی برای هویت، جنبش اجتماعی راه بیندازند؛ کمتر توجه شده است. بحث سیاست هویت که تا حد قابل توجهی با «هویت مقاومت» کاستلز، «سیاست زندگی» گیدنز، «سیاست فرهنگی» کیت نش و «سیاست‌های خیابانی» یا «ناجنبش‌های اجتماعی» آصف بیات ارتباط دارد، موضوع اصلی این تحقیق است.

آنچه انگیزه نوشتن این تحقیق شد، غفلت از عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست هویت در ایران بود. از آنجاکه بخشی از تحولات سیاسی - اجتماعی در ایران نتیجه دگردیسی در هویت است، مطالعه در سیاست هویت ما را قادر می‌سازد رفتار نیروهای سیاسی - اجتماعی را بر پایه فهم آگاهانه هویت‌های ساخته‌شده در قالب گفتمان‌ها درک و تحلیل کنیم.

فصل اول

مفاهیم و چارچوب نظری

مقدمه

با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی در دوران پس از انقلاب، منطق ارزشی و نظام معنایی کنشگران انقلابی در معرض خوانش‌های متفاوتی قرار گرفت و به بازتولید ارزش و کردارهای سیاسی جدیدی از سوی شهروندان منجر شد. فهم این بازتولید نظم سیاسی و اجتماعی که تأثیر عمیقی در کنش‌های سیاسی داشته است، ارتباط وثیقی با بحث هویت و سیاست‌های معطوف به آن دارد.

نزدیک به دو دهه اخیر، درباره هویت و فرایند هویت‌سازی و عوامل تأثیرگذار در اختلالات هویتی به‌فراوانی بحث شده و گفتمان‌های هویت مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما از پیامدهای این گفتمان‌ها در سیاست‌های هویت کمتر سخن به میان آمده است. یکی از این پیامدها امکان بروز زمینه‌های دگردیسی در هویت پس از شکل‌گیری هویت‌های مسلط است.

سیاست هویت به دنبال چرایی و فهم واکنش‌های نیروهای اجتماعی است. سیاست هویت نوعی مقابله با هویت مسلط در سپهر رقابت‌های گفتمانی